**باسمه تعالي**

**چند نکته مهم براي تعامل هر چه بهتر دانشجويان با مردم عراق به عنوان سفيران فرهنگي ايران**

اول: رويکرد هاي سياسي، اقتصادي، فرهنگي و آخرالزماني همه و همه ايران را به همبستگي بيشتر با عراق رهنمون مي­سازد.

دوم: نخبگان به عنوان نمايندگان فرهنگي هر کشور نقش بسيار مهمي در ارتباطات ميان فرهنگي دارند.

سوم: به برکت ائمه اطهار(عليهم السلام)شاهد بستر بسیار مناسبی برای ارتباطات خودجوش در سطح وسيع ميان مردم دو کشور هستيم. این ارتباطات از سرآغاز ها و کف تشکیل امت واحده ی اسلامی است.

سئوال: چگونه مي توان از اين فرصت براي همبستگي بيشتر دو کشور بهره برد؟ چگونه می توان آرمان های جهانی انقلاب اسلامی را در فضای عراق بازمعرفی کرد؟

نوشته حاضر سعي دارد به اين سئوال پاسخ گويد.

**چکيده:**

زائران ايراني عتبات و به خصوص فرهيختگان، اسايتد حوزه و دانشگاه، طلاب و دانشجويان در يک نگاه کلان و بلند مدت سفيران فرهنگي جمهوري اسلامي ايران شمرده مي شوند و به نوعي معرف فرهنگ ايران به ميزبانان خود در عراق هستند. نوشته حاضر تلاشي است براي بيان برخي از نکاتي که لازم است اين عزيزان در ارتباط ميان فرهنگي خود با جامعه عراق مد نظر قرار دهند.

نگارنده براي بررسي تفصيلي ابتدا سطوح مختلف وحدت وانسجام را بيان و پس از نماياندن اهميت وحدت شيعي لزوم همبستگي هر چه بيشتر دو کشور عراق و ايران را در سطوح اقتصادي، فرهنگي، سياسي و رويکردهاي آخر الزماني به اختصار بيان کرده است. در ادامه نکاتي چند در رابطه با نوع نگاه به مردم عراق، نوع ارتباط با آنها و... بيان شده است. از جمله لزوم توجه به فضاي ذهني مخاطب، پرهيز از انزوا و يا تعامل منفي، پرهيز از رويکردهاي عمودي ارتباط، توجه به تاثيرات متقابل، استفاده از گفتمان هاي جديد هويتي و...

**مقدمه:**

عراق به عنوان کشور همسايه جمهوري اسلامي ايران -که با هم مشترکات بسيار زيادي دارند- ميتواند نقش بسيار سازنده­اي در تثبيت آرمان های جهانی انقلاب اسلامی در منطقه ايفا کند.

يکي از نکات و لوازم همبستگي، تعاملات و مناسبات هر چه بيشتر مردم با يکديگر و به عبارت بهتر درهم آميختگي فرهنگي است که از آن با عنوان ارتباطات ميان فرهنگي تعبير مي­شود. يکي از انواع مهم ارتباطات ميان فرهنگي تعاملات نخبگان دو کشور به شمار مي رود. در دنياي معاصر ما شاهد اعزام و تبادل هيئت­هاي فرهنگي با عناوين مختلف بين کشورها هستيم و عليرغم هزينه هاي نسبتا زياد اين سفرها همچنان کشورها نسبت به اين مسئله اهتمام دارند که خود نشان از اهميت و پتانسيل بالقوه­ي آن دارد.

به برکت وجود ائمه اطهار(ع) اينگونه تعاملات در سطح بسيار وسيع ميان دو کشور ايران و عراق در جريان است. تعاملي که اولا برخاسته از جوششهاي دروني مردم است و به آثار و نتايج اين تعاملات عمق مي­دهد و ثانيا بين دو کشور با اشتراکات بسيار زياد در جريان است. به عبارت ديگر مي­توان با يک سياست گذاري درست و حداقل آموزش نخبگان، بهترين بهره برداري را از اين تعاملات داشت. نوشته حاضر تلاشي است براي اشاره به بعضي از اين نکات مهم. طبيعي است پرداختن بيشتر به اين نکات به همراه بيان مصاديق مجال ديگري مي طلبد.

**انواع وحدت**

در يک نگاه کلي سطوح وحدت و انسجام در اسلام را مي توان به صورت زير مشخص کرد:

1. انسجام بين ادياني

قرآن کريم در اين باره به پيامبر اکرم دستور مي دهد: «قل يا اهل الکتاب تعالوا الي کلمه سواء بيننا و بينکم»[[1]](#footnote-1) در دين مبين اسلام اصل حاکم در رابطه با ساير اديان اصل صلح و مسالمت است- مگر اينکه کيان اسلام و مسلمين از جانب ديگران مورد تهديد قرار گيرد- و اگر در رابطه خود با ساير اديان اين اصل را مورد توجه قرار دهيم و آن را با روشن بيني در پيش گيريم شاهد اثرات تبليغي عميق و بسط هرچه بيشتر تفکر اسلامي در بلند مدت خواهيم بود.

1. انسجام اسلامي(بين شيعه و سني)

ايجاد تفرقه ميان فرقه­هاي گوناگون اسلامي همواره به عنوان يکي از مهمترين راه­هاي عقب نگاه داشتن مسلمين مورد توجه استعمار قديم و نو بوده است؛ چراکه اگر مسلمين فرصت انديشيدن به آرمان­هاي بلند اسلامي خود را پيدا کنند منافع همه زورگويان و جهانخوران به خطر خواهد افتاد. امام خميني(رحمة الله عليه) با درک اين نکته ي کليدي، در مبارزه خود با استعمار و استبداد همواره اصل انسجام و اتحاد مسلمين را به عنوان سرلوحه­ي فعاليت­هاي مبارزاتي خود قرار داده بودند که لازم است در تصميم گيري­ا و سياست گذاري روابط خارجي و... به عنوان شاخص مورد توجه قرار گيرد.

1. اتحاد شيعي

با مرزبندي­هاي جغرافيايي در دوره معاصر و از بين رفتن مرزبندي­هاي واقعي و ايدئولوژيک، استکبار جهاني با درک پتانسيل بالاي شيعيان همواره در پي تعريف هويت­هاي متفرق فرهنگي براي هر يک از کشورهاي شيعه بوده است. تعصب­هاي قومي، مناقشات سياسي اقتصادي و نيز درگيري­هاي فيزيکي نيز به نوبه خود به اين تفرقه دامن زده است و سبب ايجاد جزيره­هاي متشتت فرهنگي با رويکرد­هاي متفاوت و بعضا متضاد در ميان کشورهاي شيعي شده است. آنچه که در اين ميان اهميت دارد توجه و درک اهميت اتحاد بين اين جزيره ها و تلاش براي رسيدن به امت واحده است.

قبل از پرداختن به بحث از آن روي که عنوان هر مجموعه بيانگر رويکرد و روش آن مجموعه است ياداور مي شود لازم است در دو سطح اول و دوم- که در بالا بيان شد- از واژه ي انسجام و در سطح سوم از اتحاد استفاده شود.

**اهميت و ضرورت وحدت ايران و عراق**

پيوندهاي مشترک فرهنگي، تمدني ايران و عراق را بايد مهمترين عامل همبستگي اين دو کشور دانست. نکته اي که حائز اهميت است اين­که هم ايران و هم عراق متقابلا بيشترين تاثيرات تمدني را در ميان همسايگانشان از يکديگر پذيرفته­اند. اين همبستگي مشترک از يک روي مي تواند محملي براي توسعه روابط اقتصادي، سياسي و فرهنگي ميان دو کشور قرار گيرد و از سوي ديگر عراق را به عنوان اولين کشور مناسب براي بسط و صدور انقلاب مطرح کند؛ ظرفيت و پتانسيلي که متاسفانه از يک طرف کمتر مورد توجه قرار گرفته و از طرف ديگر با روش­هاي غيرکارشناسي و کليشه­اي به ضد تبليغ تبديل شده است.

از ديگر عواملي که همبستگي هر چه بيشتر هر دو کشور را مي­طلبد خطرات و تهديدات منطقه­اي و جهاني است. امروزه کشور­هاي منطقه خليج فارس هر يک با اولويت هاي متفاوت و خصوصا ايران با داشتن شرايط حساس ژئوپلتيک و نيز منابع سرشار و غني خدادادي نفت، گاز، معادن مختلف و انواع محصولات کشاورزي و استعدادهاي انساني در زمينه­هاي نيروي کار ومتفکرين و نيز در پيش گرفتن رويکرد هاي سياسي مغاير با سايرين به عنوان مهمترين کشورهاي برهم زننده نظم نوين جهاني(و شنا کردن بر خلاف جهت جريان حاکم بر دنيا) و نيز به عنوان خطري در جهت منافع مستکبرين(در صورت کوتاه نيآمدن از اصول خود) مطرح است و اين طبيعي است که همه­ي هم و غم استکبار جهاني در جهت تامين منافع خود و رفع تهديداتش (يعني جمهوري اسلامي ايران) قرار گيرد. اين موضوع به عنوان يکي ديگر از دلايل مهم همبستگي هر چه بيشتر دو کشور در زمينه هاي گوناگون مطرح است تا به اين وسيله هم برتري نسبي ايران در منطقه تثبيت شود و هم زمينه­هاي بهره برداري اقتصادي، سياسي دو کشور فراهم شود.

از ديگر مباحثي که لازم است مورد توجه قرار گيرد اهميت عراق و ايران در مباحث و رخدادهاي آخرالزماني است. ايران و عراق در روايات ظهور جايگاه ويژه اي دارند و يکي از مواردي که در باب نشانه ها و زمينه هاي ظهور مطرح مي\_شود همبستگي دو سرزمين عراق و ايران (فارس) است.[[2]](#footnote-2)

**راه هاي افزايش همبستگي**

حال که اهميت و لزوم تلاش در جهت ايجاد همبستگي ميان دو کشور مشخص شد به بعضي نکات مهم که لازم است در زمينه روابط ميان فردي و تعاملات ميان فرهنگي افراد دو کشور مورد توجه قرار گيرد اشاره مي شود. طبيعي است که بررسي وظايف دولتهاي دو کشور و نهادها و موسسات مربوط از حوصله­ي اين نوشتار خارج است و مجال ديگر مي­طلبد.

تعامل مثبت؛ لازمه همبستگي

1. مهمترين نکته­اي که در حرف و تئوري ممکن است بسياري از ما به آن اذعان داشته باشيم ولي در عمل رويکردهاي ديگري پيش مي­گيريم اين است که انسجام و اتحاد در سايه تعامل مثبت و مناسب شکل مي­گيرد نه گوشه گيري و انزوا و نه قلع و قمع طرف مقابل(تعامل منفي با وي).

به هر روي اولين نکته اي که لازم است مورد توجه قرار گيرد افزايش تعاملات مثبت و سازنده بر مبناي الگو هاي اسلامي روابط ميان فردي و تلاش براي داشتن روابط عمومي بالا است. اصلي­ترين نکته اي که بايد براي داشتن تعامل مثبت و سازنده رعايت کرد توجه به نقاط اشتراک و همبستگي هاي متقابل است.

توجه به فضاي ذهني مخاطب

1. در برخوردهاي خود با مردم عراق لازم است قبل از هر گونه پيش داوري به فضاي ذهني آنها، اعتقادات، باورها و انديشه هاي آنها توجه کنيم. دقت در اين مسئله سبب درک درست ما از اوضاع و شرايط و در نتيجه به ايجاد يک تعامل مثبت منجر خواهد شد. در زير بعضي از نکات مهم فضاي ذهني جوان عراقي به تصوير کشيده مي شود.

گوشه اي از فضاي ذهني جوان عراقي:

الف. اولين نکته اي که لازم است به آن توجه شود سبک دينداري مردم عراق است. به طور کلي جامعه عراق ساختاري مذهبي دارد. مردم نسبت به روحانيت و مراجع احترام ويژه اي قائل هستند؛ لکن اولا اين ارادت مردم به علما تا اندازه اي متاثر از تعصبات قومي وعربي است به گونه اي که مي توان تفاوت نگاهشان را نسبت به روحانيون سيد و عام مشاهده کرد.[[3]](#footnote-3) و ثانيا سبک دينداري مردم متاثر از فضاي حوزه علميه نجف اشرف است. تفاوت بنيادين حوزه علميه نجف و قم به عنوان بزرگترين مراکز علمي تشيع را مي­توان در نوع نگاه آنان به مسائل سياسي و حکومت دانست. حوزه علميه نجف عليرغم امتيازات درخشاني که در شکل گيري و تا اندازه اي هدايت مشروطه در کارنامه خود ثبت کرد پس از انحراف مشروطيت و سرخوردگي مشروطه­چيان با کناره­گيري از مسائل سياسي خط مشي خود را پرداختن صرف به علوم حوزوي قرار داد. لازم به ذکر است دامن زدن حکومت هاي مستبد حاکم در عراق به اين مسئله سبب ريشه دارتر شدن موضوع شده است. اين موضوع را مي توان به خوبي در سبک و شيوه دينداري مردم عراق مشاهده کرد به گونه اي که با وجود برتري نسبي آنها در تعظيم شعائر اسلامي در زمينه هايي چون عزاداري­ها و... نسبت به ايران اين مراسم­ها منجر به تحريک آنها براي سرنگوني حکومت مستبد صدام و بعدها بيرون راندن اشغالگران از کشورشان نشده است.

ب. بايد توجه کرد که هشت سال جنگ تحميلي چيز کمي نيست و مردم عراق با گذشت بيش از بيست سال از پايان جنگ هنوز از يادآوري آن دوران ناراحت هستند. بعضي شرم دارند که چرا با برادران شيعه خود جنگيده اند، بعضي همچنان جنگ تحميلي را درست مي دانند و اصلا خود را متجاوز نمي دانند تا احساس شرم داشته باشند بلکه به دليل کشته شدن عزيزان خود از دست ايرانيان دل­خوشي ندارند و... . در هر حال بايد توجه کرد که به طور کلي در اثر تبليغات رژيم بعث فضايي مشابه نگرش ايرانيان نسبت به عراق به طور متقابل در نگرش آنها نسبت به ايران ديده مي­شود.

ج. آخرين مطلبي که لازم است در اين قسمت يادآوري شود نگرش عده­اي از نخبگان جامعه عراق نسبت به حکومت اسلامي و ولايت فقيه به صورت کلي است. کتاب «شيعه و حکومت در عراق» در اين باره مي نويسد: «بعضي از مخالفين ولايت فقيه به اين نکته اشاره دارند که برپايي حکومت فقيه ممکن است باعث سلب آزادي مردم و تشکيل حکومت استبدادي شود. مورخ شيعه، "محمدجواد مغنيه" در کتاب "الخميني و الدوله الاسلاميه" صراحتا به اين نکته اشاره مي کند و به طور آشکار اصل توسعه در ولايت فقيه را مورد انتقاد قرار مي دهد»[[4]](#footnote-4). پس بايد توجه داشت که يک عده از اين مخالفان که لازمه حکومت ولايت فقيه را ديکتاتوري مي­دانند در عراق بوده و هستند.

پيشداوري ممنوع

1. با اين که ممکن است در فضاي عراق شاهد کمبودها و نارسائيها در زمينه هاي گوناگون اقتصادي، فکري، فرهنگي، عقيدتي و سياسي باشيم نبايد اين را مبناي قضاوت و پيش داوري قرار داد و مثلا اين کمبودها را به خاطر ظلم به خانواده پيامبر(صل الله عليه وآله وسلم)، تنبلي ها، کج انديشي ها و... نسبت داد چرا که اولا ما حق حکم کردن و داوري در مورد ديگران را نداريم زيرا اين فقط از شئون خداوند است؛ ثانيا لازم است شرايط و وضعيت کلي کشور عراق را طي 50 سال گذشته مد نظر قرار دهيم و با توجه به آن قضاوت کنيم که مردم آيا قاصر هستند يا مقصر. البته بايد توجه کرد اين با آسيب­شناسي و داشتن ديد کارشناسي تناقض ندارد. نتيجه عملي اين مبحث اين که نبايد با مشاهده ضعف­ها و قضاوت نادرست خود رفتاري انزوا طلبانه و يا از بالا به پايين در پيش گرفت بلکه تنها وظيفه ما تلاش براي رفع کمبودها و استضعاف فکري، فرهنگي، و اقتصادي مردم با ديد و نگاه کارشناسي است.

تعامل توأم با برادري و نه پدر منشانه

1. همانگونه که تعاليم ديني ما دستور به برادري و اخوت داده اند و خداوند در قران ميفرمايد: «انما المومنون اخوة»[[5]](#footnote-5) لازم است در رفتارها و برخورد هايمان با مردم خوي برادري در پيش گيريم و از رفتارهاي همراه با تحکم و پدرمنشانه پرهيز کنيم. اهميت دو چندان اين نوع برخورد، زماني روشن تر مي شود که علاوه بر در نظرگرفتن فضاي ذهني جوان عراقي- که ذکر آن در بالا گذشت- نکات زير را مد نظر قرار دهيم.

نگرش جوان عراقي نسبت به ايرانيان

الف. تبليغات رسانه اي شبکه هاي ماهواره اي: جوان عراقي که تا قبل از سال 2001 ميلادي فقط امکان استفاده از دو شبکه تلويزيون ملي آن هم تحت سيطره شديد حکومت و به رياست پسر صدام را داشت الان تنها به حدود 300 شبکه مختلف عربي زبان دسترسي دارد. شبکه هاي غير عربي را هم بايد به اين رقم اضافه کرد. شبکه هايي که شبانه روز او را مسحور کرده و تحت سيطره خود در اورده است. اشتياق و ولع او به استفاده از جعبه جادو در اثر کمبود هاي گذشته و نيز تکثر بيش از اندازه شبکه هاي عربي زبان سبب تاثير پذيري بسيار او از رسانه ها شده است. به گونه اي که روز به روز تاثير اين رسانه ها در نوع پوشش، طرز برخورد، رفتار ها و بينش او مشهودتر مي شود فلذا طبيعي است که او تحت تاثير فضاي مسموم القا شده توسط اين رسانه ها[[6]](#footnote-6) تصويري منفي از ايران، ايراني و به طور اخص جمهوري اسلامي داشته باشد.

ب. اقدامات نسنجيده و بدون کارشناسي مسئولين فرهنگي کشور ايران که بدون توجه به ويژگي هاي فکري، فرهنگي، عقب ماندگي ها و... جوان عراقي تنها با اقدامات کليشه اي فرهنگي سعي در خنثي کردن فضاي مسموم فرهنگي عراق دارند به دليل عدم سياست گذاري درست در بسياري موارد خود به ضد تبليغ تبديل مي شود و به اين تصوير منفي دامن مي زند.

ج. روحيه ناسيوناليستي هنوز هم در ميان عراقي­ها و به طور کلي اعراب از عمق زيادي برخوردار است. آنها ايرانيها(عجم) را نژادي پايين تر از خود مي دانند و حتي در افراطي­ترين شکل معتقدند که اسلام به قوم عرب نازل شد چراکه عرب لايق آن بود. اين تفکر که از زمان عباسيان در ميان اعراب ايجاد شد در دوره بعد از ترکهاي عثماني به اوج خود رسيد. در اين حين استعمار جهاني جهت ايجاد تفرقه و اختلاف ميان مسلمانان به اين مسئله دامن زد و کساني چون جمال عبدالناصر، صدام و ملک فاروق سعي داشتند با استفاده از اين روحيه از حمايت اعراب به نفع قدرت طلبي خود بهره گيرند. البته اقدامات محمد رضا پهلوي نيز در هم پيماني با اسرائيل، توجه بيش از حد به آيين و تاريخ کهن ايران قبل از اسلام و نيز استخفاف اعراب و تاکيد بر برتري عجم سبب شده که آنها در نگرش خود نسبت به ايران مصمم­تر شوند.

د. ديکتاتوري صدام و روش مستبدانه او در ادره کشورش سبب شده است نسل جوان عراقي و پدرانشان(يعني دو نسل مردم عراق) در همه چيز حتي پوسته ها و ظواهر تمدن و پيشرفت از ساير نقاط دنيا عقب مانده تر باشند. ولي آنها به خاطر تعصبات عربي براي خود ننگ مي­دانند که از ديگران کمتر باشند به عبارت ديگر مواردي چون تعصبات قومي و نژادي، کمبودها و از خود بيگانگي­ها سبب شده تا آنها سعي کنند که با روش هاي مختلف از جمله مصرف گرايي، عدم توجه به ديگران و... کمبود ها و خود کمتربيني هاشان را جبران کنند.

همه اين موارد بيش از پيش بر ما فرض مي کند که از هرگونه رفتار عمودي و از بالا به پايين اجتناب کنيم و در تعاملات خود با اقشار مختلف مردم عراق از الگوهاي افقي ارتباط بهره گيريم و با تنزل خود در سطح مخاطب زمينه­ بيشترين تاثيرگذاري را فراهم کنيم.

بهره گيري دوجانبه از تعامل با مردم عراق

1. از ديگر نکاتي که بايد در برخورد با مردم عراق مد نظر قرار گيرد اين نکته است که اين ارتباطات نتايج و آثاري يک جانبه ندارد. عراق و منطقه بين النهرين مهد يکي از بزرگترين و کهن­ترين تمدن­هاي بشري به شمار مي­رود و اين برخورد­ها و تعاملات فرصت بسيار مناسبي براي آشنايي هر چه بيشتر با آن و بهره گرفتن از حسنات آن فراهم مي­کند. تجارب ارزنده­اي که از اين راه کسب مي­کنيم به نوبه خود وزن بسيار زيادي دارد و نبايد آن را دست کم گرفت.

استفاده از خصلت نمك گيرشدن عراقي ها

1. يکي از مواردي که دربرخورد با عراقي ها بسيار چشم گير است التزام عملي آنها به اين آيه قرآن است که مي فرمايد: «هل جزاء الاحسان الا الاحسان».[[7]](#footnote-7) در گزارش تيم شناسايي عراق به اين مسئله اشاره شده است. اين نکته فرصت و زمينه بسيار مناسبي براي ايجاد يک ارتباط صميمي و دوستانه (افقي) با مخاطب را فراهم مي کند.

تبليغ با غير لسان

1. اما صادق(عليه السلام) مي فرمايد: «کونوا دعاة للناس بغير السنتکم»[[8]](#footnote-8). شايد بتوان گفت بهترين و موثرترين راه تبليغ از منظر امام(ع) تبليغ با غير لسان است؛ چرا که به اين ترتيب نوعي همزاد پنداري در ذهن مخاطب ايجاد مي­شود و بدون اينکه حتي کوچکترين تبليغ لساني انجام بگيرد مخاطب ناخودآگاه به روش، مرام و منش ما علاقه­مند مي­شود و سعي ميکند آن شيوه را به عنوان الگوي خود در زندگي برگزيند. نمونه هاي بسياري از اين نوع تبليغ در تاريخ مشاهده مي­کنيم که داراي دامنه و برد بسيار زياد هستند. براي نمونه مي­توان رفتار هاي ائمه هدي(عليهم السلام)يا عملکرد عده­اي از تجار مسلمان در اندونزي که به مسلمان شدن کل اهالي اين کشور انجاميد را ذکر کرد.

پروراندن آرمانهاي بلند در ذهن جوان عراقي

1. شايد بتوان گفت امروزه مهمترين مشکلي که يک جوان عراقي دارد توجه صرف به خود و خانواده­اش است. از نظر جوان عراقي، ايده آل اين است که بيشتر مصرف کند تا بتواند از اين طريق کمبودها و خود کمتربيني­هايش را جبران کند ولي اين براي پيشرفت عراق کافي نيست چرا که پيشرفت عراق و ساختن مجدد آن افکار بلند مي­طلبد. فلذا بايد گفت مهمترين مسئله­اي که لازم است در برخورد با مردم عراق مورد توجه قرار دهيم استفاده از گفتمان هاي جديد هويتي است؛ مواردي چون:
2. گفتمان جهان اسلام، جهان غير اسلام
3. گفتمان مستضعف، مسكتبر

و استفاده از ادبيات ظلم ستيزي به جاي:

1. گفتمان غالب عرب، عجم
2. گفتمان شيعه، سني

استفاده از اين مفاهيم در بلند مدت سبب خواهد شد جوان عراقي- که اکنون فقط به لحظه و خود مي انديشد- به آرمان هاي بزرگتري فکر کند و با افزايش وسعت ديدش بتواند او را به داشتن آينده اي بهتر اميدوار سازد و به حرکت وادارد.

اميد آنکه بتوانيم با ايجاد همبستگي بين دولت­ها و خصوصا ملت­هاي دو کشور ضمن تثبيت برتري نسبي خود در منطقه قدمي هرچند کوچک براي نزديک شدن به حکومت صالحان برداريم.

1. «(اي پيامبر) بگو: اي اهل کتاب! بياييد به سوي سخني که ميان ما و شما يکسان است». قران کريم، سوره آل عمران، آيه64. [↑](#footnote-ref-1)
2. مهدويت و تمدن جهاني اسلام، محمد هادي همايون، مرکز تحقيقات دانشگاه امام صادق(ع). [↑](#footnote-ref-2)
3. گزارش شناسايي عراق، دانشگاه امام صادق، دفتر اعزام، فروردين87. [↑](#footnote-ref-3)
4. العلوي، 1376، ص 31. [↑](#footnote-ref-4)
5. «همانا مومنين با يکديگر برادند». قران کريم، سوره حجرات، آيه10. [↑](#footnote-ref-5)
6. در حال حاضر بنا به گزارش تيم شناسايي عراق بسياري از اين شبکه ها توسط سعودي ها حمايت مي شوند. حدود 43 شبکه عربي به طور غير مستقيم از سوي وهابي هاي شبه جزيره حمايت مي شوند. شبکه هاي رسمي کشور عربستان نيز در بين کانال هاي عربي تعداد زيادي را داراست. به اين تعداد بايد شبکه هاي ماهواره اي کشورهاي اشغالگر را اضافه کرد. [↑](#footnote-ref-6)
7. قران کريم. سوره الرحمن. آيه55. [↑](#footnote-ref-7)
8. دعوت کننده ي مردم (به حق) با غير از زبانتان (عملتان) باشيد. وسائل الشيعه، ج11، ص194،به نقل از قرائتي،1376، ص127. [↑](#footnote-ref-8)